

## مطالعه ارتباط بین مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای و بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم اجتماعی و کشاورزی دانشگاه تبریز)

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/JEDS.2021.45118.1511 شناسه دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

ابراهیم محمدپور<sup>۱</sup>  
حسین هنرور<sup>۲</sup>  
هدایت علی‌پور<sup>۳</sup>  
عاطفه رحمانیان<sup>۴</sup>

### چکیده

توسعه‌ی جوامع تنها در گرو رشد اقتصادی یا برنامه‌های معطوف به آن نمی‌باشند، بلکه مولفه‌های تحول در باورها و رفتارها به عنوان پیش شرط‌های توسعه، از اهمیت اساسی برخوردار هستند. بر همین اساس، این تحقیق با هدف مطالعه ارتباط بین مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای و ارتباط آن‌ها با بیگانگی اجتماعی نگاشته شد. روش تحقیق از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم اجتماعی و کشاورزی دانشگاه تبریز بود که ۲۶۳ نفر از آن‌ها به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای برای مطالعه انتخاب شده‌اند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری و توسط نرم افزارهای SPSS و Lisrel تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داد که میزان مولفه‌های «جامعه‌پذیری» و «وقت‌شناسی» بالاتر از حد متوسط، مولفه‌های «انضباط اجتماعی» و «صداقت و راستگویی» پایین‌تر از حد متوسط و مولفه‌ی «رعایت حقوق دیگران» و «بیگانگی اجتماعی» در حد متوسط می‌باشند. نتایج آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن بود که بین مولفه‌های جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، وقت‌شناسی و صداقت و راستگویی با بیگانگی اجتماعی ارتباط معنادار و منفی وجود دارد. همچنین تفاوت میانگین بیگانگی اجتماعی برحسب نوع دانشکده، جنس و مقطع تحصیلی با بیگانگی اجتماعی معنادار شد. براساس نتایج برازش مدل مسیر، متغیر جامعه‌پذیری بیشترین تاثیر را بر بیگانگی اجتماعی داشت. بعد از این متغیر نیز انضباط اجتماعی، وقت‌شناسی، رعایت حقوق دیگران و صداقت و راستگویی در رده‌های بعدی قرار گرفتند. در مجموع متغیرهای مذکور توانستند ۳۶ درصد از تغییرات بیگانگی اجتماعی را تبیین نمایند.

**واژگان کلیدی:** بیگانگی اجتماعی، جامعه‌پذیری، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

e.mohammadpour70@gmail.com  
huseyn.hunarvar@gmail.com  
hedayat.alipour720@gmail.com  
atefrahmanian@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز  
۲. استادیار جامعه‌شناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه  
۳. دانش آموخته کارشناسی روانشناسی بالینی دانشگاه تبریز و آموزگار آموزش و پرورش  
۴. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه شیراز

## مقدمه

نیل به پیشرفت و توسعه، یکی از آرزوهای دیرینه همه جوامع و انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. مفهوم «توسعه» در کنار مفاهیمی چون ترقی، تکامل، تعالی، رشد، پیشرفت و نظایر این‌ها انعکاس‌های مختلفی از همین آرزوی دیرین بشری جامعه است. در ایران نیز مفهوم توسعه همراه با تلاش‌هایی که به صورت‌های مختلف برای ورود جامعه‌ی ایرانی به دوره مدرن صورت گرفته، در حوزه‌ی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی رسمی مطرح شده است. با وجود اینکه برنامه‌ریزی توسعه در کشور ما سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد و ایران از جمله پیشگامان تدوین برنامه‌های توسعه در خاورمیانه به شمار می‌رود، اما به لحاظ معیارهای توسعه‌یافتگی در جایگاه شایسته‌ای قرار ندارد و علی‌رغم تمامی تلاش‌های صورت گرفته کشور ما نتوانسته است به اهداف توسعه‌ی همه جانبه دست یابد و هنوز در زمره کشورهای در حال توسعه قرار دارد و برای رسیدن به جوامع توسعه یافته و اهداف توسعه‌ای خود فاصله زیادی دارد (شاه قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۴۸). بر این اساس، یکی از دغدغه‌های اصلی نخبگان سیاسی و فکری کشور به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشف علت‌ها و عوامل عقب‌ماندگی‌ها و دستیابی به روش‌های جبران آن و نیل به توسعه‌ی ملی است. در این رابطه برخی نبود مکتب فکری منسجم توسعه و عدم نهادینه شدن آن را عامل اصلی تأخیر توسعه قلمداد کرده‌اند. برخی دیگر ماهیت شخصیت نخبگان سیاسی ایران را از موانع اساسی توسعه تلقی کرده‌اند (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۰۴) و برخی از اندیشمندان نیز عدم مشارکت افراد جامعه را مانع فرایند توسعه کشور می‌دانند. در این راستا، بیگانگی از اجتماع یکی از دلایل اصلی عدم مشارکت افراد جامعه در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که منجر به عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت می‌شود که مانعی بزرگ بر سر راه توسعه جامعه می‌باشد.

## بیان مساله

واژه بیگانگی که به زعم ریموند ویلیامز<sup>۱</sup> یکی از غامض‌ترین و دشوارترین واژگان در فرهنگ لغات به شمار می‌رود، به عنوان یکی از مفاهیم اصلی و عمده‌ی جامعه‌شناسی، روانشناسی و روانشناسی اجتماعی مطرح گردیده است، به طور گسترده‌ای در علوم انسانی جهت تبیین برخی از اشکال و انواع کنش‌ها و واکنش‌ها نسبت به جریانات، واقعیت‌های پیرامونی، فشارهای روانی و تحمیلات اجتماعی به کار می‌رود و با زندگی اجتماعی امروز سخت عجین شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۵). بر همین اساس، بخشی از تلاش جامعه‌شناسان مصروف بررسی و تبیین ناسازگاری‌های حاکم بر روابط فرد و جامعه، کارکردهای گسل نهادها و سازمان‌های اجتماعی و عدم درونی‌شدن و قواعد اخلاقی است. در واقع، چالش و مسأله‌ی بیگانگی از خود و بیگانگی از

1. williams

اجتماع در افراد تا آن اندازه دارای اهمیت است که منجر به ایجاد مشکلات مختلفی در راه توسعه جوامع از جمله مشکلاتی نظیر؛ انحرافات اجتماعی، ناهنجاری، مشارکت سیاسی پایین، سوء مصرف مواد مخدر و غیره می‌شود (بورکیت، ۲۰۱۹؛ بائو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۹۹۰).

بیگانگی در تعریفی وسیع و عام به معنای احساس انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) بین فرد و محیط پیرامون او (یعنی جامعه، انسان‌های دیگر، ساختارهای اجتماعی و خود) است و مترادف با بی‌هنجاری و احساس بد به جامعه به کار رفته (شوالبا<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶) که مبین انفصال فرد از نظام ارزش‌ها، باورهای فرهنگی، هنجارها و نهادهای اجتماعی است. بر همین اساس، بیگانگی یکی از عوامل تاثیرگذار بر فرآیندهای مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده که مانعی در راه توسعه یک جامعه تلقی می‌شود (فاکس<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰: زکی و خشوعی، ۱۳۹۲: ۸۷).

اما آنچه در این میان کمتر مورد امعان نظر و کالبدشکافی علمی قرار گرفته است، نقش فرهنگ و مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای در توسعه است (بندر<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰: حسین و همکاران، ۲۰۲۰). بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که توسعه جوامع تنها در گرو رشد اقتصادی یا برنامه‌هایی که معطوف به آن هستند نمی‌باشد (ویلیامسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸؛ دی‌پیتر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴)، بلکه توسعه را باید از منظر تجدد فرهنگی و مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای نگریست. به عبارت دیگر، توسعه پی‌آمد تحول در باورها، رفتارها، افکار نظیر جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، وقت‌شناسی، صداقت و راستگویی و رعایت حقوق دیگران و بطور کلی فرهنگ است. تغییر و تحول ارزش‌ها و باورها در دستیابی به توسعه به اندازه‌ای است که بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران تحول فکری را بر تحول مادی مقدم دانسته و معتقدند الزام‌های فکری و ذهنی باید در رده‌ی دوم قرار گیرند. در غرب توسعه به دنبال تحول در فکر و فرهنگ اتفاق افتاد. از این‌رو بحث توسعه یک مسئله‌ی فرعی است که اصل، تحول در فکر و فرهنگ است و با این تحول در اندیشه، لوازم خود، یعنی توسعه‌ی تکنیکی، اقتصادی، سیاسی و نظایر این‌ها را همراه می‌آورد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۹).

حصول به اطلاعات تجربی درباب نگرش‌ها، رفتارها، باورها، انگیزش‌ها، انتظارات و نیازهای جامعه دانشجویان نه تنها برنامه‌ریزان را در طراحی برنامه‌های معطوف به توسعه آموزش عالی یاری

1. Burkitt
2. Bao
3. Schwalbe
4. Fox
5. Bender
6. Williamson
7. Di Pietro

می‌رساند، بلکه کاستی‌ها، مشکلات، نارسائی‌ها و برخی جنبه‌ها، ابعاد و وجود موارد و آثار آسیب‌شناختی محیط‌های آموزشی را در سطح دانشجویان تعریف و تعیین می‌کند و به برنامه‌ریزی‌هایی برای رفع مشکلات و کاستن از مسائل و تنگناها و از میان برداشتن موانع توسعه نظیر بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان، به منظور گردانیدن برنامه‌های توسعه پایدار آموزش عالی منجر می‌شود. محیط اجتماعی دانشگاه، چون هر محیط آموزشی، به مثابه نهادی اجتماعی و عاملی اجتماعی کننده نقش عمده‌ای را در انتقال فرهنگ، درونی کردن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، تکوین شخصیت، توسعه مفهوم من اجتماعی، انتقال ارزش‌ها و مهارت‌ها و آموزش فنون و علوم ایفا می‌کند. بر همین اساس مطالعه ارتباط بین جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، وقت‌شناسی، صداقت و راستگویی و رعایت حقوق دیگران که جزو مولفه‌های اصلی تحول در باورها و رفتارهای توسعه می‌باشند و ارتباط این مولفه‌ها با بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان از اهمیت اساسی برخوردار است. در همین راستا تحقیق حاضر با هدف بررسی ارتباط بین مولفه‌های مذکور تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای و برخی از متغیرهای زمینه‌ای (جنس، نوع دانشکده، مقطع تحصیلی) با بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز نگاشته می‌شود.

## مبانی نظری

نظریه‌های کلان درباره‌ی بیگانگی اساس دیدگاه خود را بر این اختصاص داده بودند که وجود پدیده‌ی بیگانگی در یک جامعه منجر به نمودهای گوناگون رفتارهای بیگانه‌وار نظیر بی‌قدرتی، انزوا، تنفر فرهنگی و نظایر اینها خواهد شد که در این محث ریشه‌های فکری این پدیده توسط مارکس، هگل، وبر، زیمل، دورکیم، لوکاچ و دیگران پایه‌ریزی شده است (بنی‌فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰: ۳).

بیگانگی یکی از نقاط قوت فلسفه سیاسی مارکس بود و او آن را بر پایه بهره‌کشی مستقیم و غیرمستقیم سرمایه‌داران از نیروی کار مطرح کرده بود (اینییکالوم<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۱۶). بنا بر نظریه مارکس، بیگانگی حالت کسی است که بر اثر اوضاع و احوال گرداگردش، اوضاع مذهبی، اقتصادی و سیاسی دیگر اختیاری از خود ندارد؛ تا جایی که با اون چون شیء رفتار می‌شود و او برده‌ی اشیاء و خاصه برده‌ی پول می‌گردد و در حقیقت بودن را فدای داشتن می‌کند (زکی و خشوعی، ۱۳۹۲: ۸۷). دورکیم از کلمه آنومی مترادف با بیگانگی استفاده می‌کند و به نوعی فکری اطلاق می‌شود که در آن بوسیله اختلافات اجتماعی، فرد دچار نوعی سردرگمی در

انتخاب هنجارها، تبعیت از قواعد رفتاری و احساس فتور و پوچی می‌شود (توفقیان فر و حسینی، ۱۳۹۱: ۴۸).

مرتون نیز بیگانگی را با آنومی در نظر می‌گیرد و از دیدگاه او عوامل اصلی ناهنجاری و بیگانگی انسان عدم ارتباط و هماهنگی معقول بین اهداف و وسایل نهادینه شده در جامعه است و عقیده دارد که آنومی اجتماعی اثرات متقابل بر افراد با توجه به موقعیت‌هایی که آن‌ها در ساختار اجتماعی اشغال کرده‌اند می‌گذارد وقتی جامعه کاملاً بر فرد کنترل دارد نوعی احساس ضعف، قدرت، زمانی که هر دو هدف و هنجار از دید فرد پوچ و بی‌محتواست، نوعی احساس جدایی و انزوای اجتماعی و زمانی که فرد ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را نپذیرد دچار نوعی احساس بی‌هنجاری است (فولادیان، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

دور شدن از بیگانگی اجتماعی و حرکت به سمت پیشرفت و توسعه، حاصل نگرش خاصی به عالم است و بدون ایجاد این نگرش خاص، پیشرفت و ترقی ممکن نیست و این نگرش خاص بیانگر لزوم وجود یک فرهنگ مناسب برای توسعه است؛ فرهنگی که تشویق کننده افراد جامعه به رعایت رفتارها و کردارهای توسعه‌ای باشد. به عبارتی شرط آغاز توسعه آن است که مردم جامعه باورها و رفتارهای خود را متحول سازند؛ یعنی ایجاد تحول در طرز تفکر و کردارهای انسان‌های تشکیل دهنده هر جامعه، شرط شروع توسعه است و تا زمانی که افراد تشکیل دهنده یک جامعه فکر و عمل خود را متحول نسازند، جامعه هر قدر هم امکانات داشته باشد توسعه آغاز نمی‌شود. این نوع نگرش که تحول در رفتارها، باورها و ارزش‌های جامعه تاثیر چشمگیری بر توسعه جوامع دارد ریشه‌ی دیرین در نظریه‌های توسعه دارد. در حوزه‌ی جامعه‌شناسی کنت، اسملسر، پارسونز، ردفیلد و روستو معتقدند که ارزش‌ها، عقاید، تفکر و فرهنگ خاصی توسعه را تشویق می‌کنند و برخی دیگر مانع توسعه می‌شوند (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۴).

ماکس وبر معتقد است عقاید و ارزش‌های یک جامعه منجر به توسعه یا توسعه‌نیافتگی می‌شود، وی خاطر نشان می‌کند که اخلاق پروتستانی یا رسالت کاری که در هر فرد پروتستان وجود دارد محرک پیشرفت نظام سرمایه‌داری بوده و زمینه را برای مدیریت علمی و بسترسازی توسعه فراهم ساخته است. این مفهوم افراد را ترغیب می‌کند تا ریاضت پیشه کنند و از خوشی‌های دنیوی برحذر باشند. این دستورات مبنایی است برای کسب سود و امساک در مصرف و بنابراین ایجاد پس‌انداز برای سرمایه‌گذاری که برای توسعه‌ی صنعتی امری ضروری است (تفضلی، ۱۳۸۵: ۸۷). به عبارتی دیگر، وبر بر این رهیافت تاکید می‌کند که محقق شدن نظام سرمایه‌داری در مغرب زمین، نیازمند روحیه‌ای خاص و به تعبیری زمینه‌ای اخلاقی، روانی، اجتماعی و فرهنگی خاص بوده که جوامع غربی با همراه شدن چنین زمینه و روحیه‌ی خاص توانسته‌اند به نظام سرمایه‌داری و در نهایت جامعه‌ای صنعتی دست پیدا کنند (بهشتی و همکاران،

۱۳۹۶: ۲۱۵). عده‌ای نیز به تقلید از عقاید وبر، برای کشورهای جهان سوم عناصری را برشمرده‌اند که فراتر از عقاید ماکس وبر است و با ملاحظه عناصری فرهنگی در فرهنگ غرب، آن‌ها را برای کشورهای جهان سوم ضروری دانسته‌اند. برخی از اندیشمندان نیز عناصر فرهنگی موثر بر توسعه را در نگرش علم، جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، اعتقاد به برابری انسان و توجه معقول به دنیا دانسته‌اند و عنوان کرده‌اند (صالح‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴). بر این اساس در ادامه به تبیین نظری برخی از مهم‌ترین مولفه‌های تحول و باورهای توسعه‌ای پرداخته می‌شود.

در این رابطه پارسونز معتقد است که فرهنگ مهم‌ترین عامل شکل‌گیری نظم اجتماعی است و هنگامی که افراد در جامعه احساس بی‌عدالتی و ناامنی نداشته باشند به تدریج با تقویت اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی جامعه از نظم اجتماعی مطلوب برخوردار می‌شوند. دورکیم نیز معتقد بود که در جوامع سنتی مبتنی بر همبستگی مکانیکی، نظم از طریق شباهت و همسانی مفراط افراد به یکدیگر پدید می‌آید به گونه‌ای که فرد کاملاً در جمع حل و جذب شده باشد. اما در جوامع مدرن مبتنی بر همبستگی ارگانیک نظم براساس تمایز و تفاوت افراد با هم است که شکل می‌گیرد (صادقی ده‌چشمه و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸-۴۷). از نظر هاردین<sup>۱</sup> نیز، نظم اجتماعی بر پایه اعتماد بین افراد استوار است که اعتماد هم با تکرار روابط حاصل می‌شود (هاردین، ۱۹۹۳).

اگبرن<sup>۲</sup> و نیم‌کف<sup>۳</sup> نیز جامعه‌پذیری را جریانی می‌دانند که فرد را عملاً با زندگی گروهی همساز می‌کند و فرد جامعه‌پذیر کسی است که بر اثر هنموا شدن با هنجارهای گروهی، وظایف گروهی را پذیرفته و راه‌های همکاری را شناخته و بدین سبب دارای رفتارهای گروه پسند شده است. همچنین طبق نظریه‌های کولی و پارسونز خانواده اهمیت به سزایی در شکل‌گیری رفتار و گرایش‌های فرد دارد و دورکیم نیز بر اهمیت مدرسه و آموزش و پرورش در جامعه‌پذیری تاکید کرده است. بدین ترتیب خانواده و مدرسه دو نهاد مهم در درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهایی‌اند که خود حامل آن هستند و این هنجارها با شیوه‌های مختلف به فرد ارائه می‌شود (ذوالفقاری زعفرانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳-۱۵۲).

کامرون (۲۰۰۲) معتقد است که مدیریت زمان لازمه پیشرفت و ارتقا است. به نظر وی استفاده صحیح از زمان باعث می‌شود انسان به فعالیت‌هایی بپردازد که موجب دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی بشود. استرتون (۱۹۹۳) نیز بیان می‌کند، کسانی که قدرت زمان و چگونگی سازماندهی و استفاده از آن را می‌دانند، بسیار موفق‌تر و جلوتر از افرادی هستند که همیشه از

---

1. Hardin  
2. Egber  
3. Nim Kof

تنگی وقت می‌نالد (کریمیان‌پور، ۱۳۹۵: ۵۰). همچنین نونیز و هادسون<sup>۱</sup> بر این عقیده هستند که افراد جامعه می‌توانند با اعمال مدیریت زمان، وقت شناسی و اولویت‌بندی فعالیت‌های خود، وظایف متعددی را به موقع انجام دهند و به حالت خود نظمی برسند (نونیز و هادسون، ۲۰۰۶).

همچنین چلیپی (۱۳۸۳) هنجار صداقت و راستگویی را هنجار محوری در حوزه فرهنگ می‌داند و معتقد است که نظام (تعاملات) فرهنگی جامعه تنها با تاکید بر هنجار صداقت، دوام پیدا می‌کند (یوسفی و رضوی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۰). حاکم بودن راستگویی و صداقت در جامعه موجب پرورش بسیاری از رفتارهای اخلاقی و مسئول نمودن افراد در قبال یکدیگر خواهد شد. دوری از راست‌گویی سرآغاز بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی در سطح جامعه است. همچنین با درک نقش اعتقاد به برابری افراد جامعه اهمیت این عنصر نیز روشن می‌شود؛ زیرا که اگر از ابتدا و بدون دلیل عده‌ای از افراد را برتر از دیگران بدانیم، این اندیشه تبعیض‌آمیز باعث خواهد شد عده‌ای از افراد جامعه در فرآیند توسعه مشارکت نداشته و با اهداف توسعه هم‌سو نباشند و پیمودن مسیر توسعه را نیز با مشکل مواجه سازند، در این میان عده‌ای از نیروهای جامعه حذف می‌شوند و طبقه‌ای که خود را ممتاز می‌داند نیروی خود را صرف حذف دیگران می‌کند و مقداری از نیروی آن‌ها هم از بین می‌رود. این هدر رفتن نیروها و استفاده نکردن از همه امکانات جامعه، امری است ضد توسعه که جامعه را از پیشرفت و ترقی باز می‌دارد (صالح‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۵).

در رابطه با تئوری‌های توسعه نیز باید اذعان داشت که این تئوری‌ها برای ایجاد تغییرات مطلوب در جوامع مختلف تدوین شده‌اند. نظریات توسعه، برای تبیین و بررسی پدیده‌های توسعه نیافتگی و نیز ارائه راهکارهایی برای برون رفت از معضل توسعه نیافتگی، ارائه شده‌اند. این نظریات را می‌توان در سه مکتب عمده مورد بررسی قرار داد. در اواخر دهه ۱۹۵۰، نوسازی، پارادایم مسلط در بحث‌های توسعه بود. استفاده از فرضیاتی چون نوسازی را فرآیندی مرحله مرحله دانستن، توسعه را اروپایی دیدن، و توسعه را مقوله‌ای رو به پیشرفت و طولانی معرفی کردن از ویژگی‌های عمده این پارادایم می‌باشد. پارادایم وابستگی در آمریکای لاتین ظهور کرد و پاسخی به شکست برنامه‌های کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین بود. در این پارادایم وابستگی به عنوان یک وضعیت خارجی قلمداد می‌شود؛ یعنی وضعیتی که از بیرون تحمیل می‌گردد و غالباً به عنوان وضعیتی اقتصادی سنجیده می‌شود و نظریه‌پردازان این پارادایم معتقدند وابستگی و توسعه یافتگی، دو فرایند ناسازگارند، زیرا توسعه نیافتگی، از انتقال مستمر مازاد به مرکز ناشی می‌شود. سومین پارادایم مطرح در حوزه مطالعات توسعه در اواخر دهه ۱۹۷۰، پارادایم نظام جهانی است. والرش‌تاین به عنوان شاخص‌ترین نظریه پرداز این پارادایم، با توجه به رشد سریع کشورهای آسیای شرقی، بحران کشورهای سوسیالیستی و بحران سرمایه‌داری آمریکایی که پارادایم وابستگی قادر به تبیین آنها نبود، این نظریه را مطرح کرد. در این پارادایم، نظام جهانی دارای

بخش‌های ساختاری است (مرکز، نیمه پیرامون و پیرامون) که در مراحل متناوب توسعه و رکود به وجود آمده‌اند. والرشترین اندیشه «جهان سوم» را رد می‌کند و به یک نظم جهانی معتقد بود که تولید در کشورهای مرکز انجام می‌شود و اما سایر کشورها به استفاده از نیروی کار ساده به استخراج مواد خام محدود است (عطار، ۱۳۹۵). اما در نتیجه گذار از پارادایم‌های مذکور و اثبات‌گرایی به عصر پسااثبات‌گرایی، پارادایم‌های توسعه از ساختارگرایی به سمت تکثرگرایی و ضدیت با ساختار حرکت کرده است. چنین وضعیتی را می‌توان در تحول از پارادایم نوسازی به عنوان پارادایم مسلط به سمت پارادایم نوظهور پست مدرنیسم و نظریاتی مانند پساتوسعه‌گرایی و توسعه انسانی مشاهده کرد که به ضدیت با غرب‌محوری، قدرت محوری، ساختارمحوری و نفی انسان می‌پردازند. بدون شک توسعه جوامع مستلزم مشارکت مردم در ابعاد مختلف است و بدون مشارکت مردم نمی‌توان به توسعه مردم‌محور، فراگیر و پایداری دست یافت. در فرایند توسعه، مشارکت آحاد جامعه جامعه مد نظر است. بر همین اساس باید اذعان کرد که اگر افراد جامعه در توسعه مشارکت نداشته باشند و بیگانه از جامعه خود باشند، توسعه‌ای نیز اتفاق نخواهد افتاد. بیگانگی از جامعه و تاکید بر نقش آن به عنوان یکی از عوامل اصلی عدم توسعه در جوامع در حال توسعه است. بطوری که بیگانگی و عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی به عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است.

### چارچوب نظری

با عنایت به اینکه هدف اصلی این تحقیق تاثیر مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای (شامل مولفه‌های جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، وقت‌شناسی، رعایت حقوق دیگران و صداقت و راستگویی) بر بیگانگی اجتماعی می‌باشد. بر این اساس چارچوب نظری این تحقیق نظریه‌های مرتبط با مولفه‌های مذکور تعیین گردید که به در ادامه به آنها اشاره می‌گردد. در این راستا، نظریه وبر در رابطه با اخلاق پروتستانی و توسعه جوامع غربی مبنی بر این بود که توسعه نظام سرمایه‌داری در جوامع غربی، به خاطر روحیه‌ای خاص و زمینه‌ای اخلاقی، روانی، اجتماعی و فرهنگی خاص بوده که موجب رشد و توسعه این جوامع گردیده است. همچنین نظریه‌های دورکیم، پارسونز و هاردین در رابطه با نظم اجتماعی مطرح گردید که در جوامع مختلف برای این مولفه نقش حیاتی قائل بودند. آگ برن و نیم کف هم بیشتر بر جامعه‌پذیری تاکید می‌کردند و معتقد بودند که جامعه‌پذیری لازمه زندگی گروهی است. کولی و پارسونز نیز نقش نهادهای خانواده و مدرسه را در جامعه‌پذیری مهم تلقی می‌کردند. در رابطه با وقت‌شناسی نیز کامرون، استرتون، نونیز و هادسون اعتقاد دارند که وقت‌شناسی لازمه پیشرفت و توسعه می‌باشد. همچنین چلیبی صداقت و راستگویی را جزو جدایی‌ناپذیر در حوزه فرهنگ می‌داند و معتقد است که لازمه توسعه رعایت هنجارهایی نظیر صداقت و راستگویی می‌باشد.



### مبنای تجربی

با مرور تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور در رابطه با موضوع تحقیق مبنی بر رابطه میان مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای و بیگانگی اجتماعی، مطالعات چندانی صورت نگرفته، فلذا در ادامه به چند مورد از تحقیقاتی که تا حدودی به موضوع تحقیق نزدیک است پرداخته می‌شود.

بهشتی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی را تحت عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مولفه‌های تغییر در باور، رفتار و نگرش‌های نقطه شروع توسعه» در کتاب‌های سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ به نگارش درآوردند. یافته‌های این مقاله نشان داد که کتاب‌های مورد بررسی از میان مولفه‌های تحول در باور، رفتار و نگرش‌ها بیشترین توجه به را «در جمع زیستن یا جامعه‌پذیری»، «علم باوری»، انضباط اجتماعی» و «تعلق خاطر به کشور» داشته است. در حالی که مولفه‌های «ایمان به کار و وجدان کاری»، «اعتماد اجتماعی»، «وقت شناسی» و «رعایت حقوق دیگران» کمتر از حد انتظار مورد توجه واقع شده‌اند.

امامی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «عوامل موثر بر از خود بیگانگی اجتماعی جوانان» که در میان دانشجویان دانشگاه مازنداران و به روش پیمایشی انجام داده بود، به این یافته رسیده بود که میان پیوستگی به دوستان، برجسب زنی، رضایت تحصیلی و پیوستگی به خانواده و بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بیگانگی اجتماعی» که به روش پیمایش در میان جوانان شهر اهواز انجام داده بودند به این نتیجه رسیده‌اند که بین اعتماد اجتماعی، احساس انومی، احساس محرومیت نسبی، میزان دینداری و رضایت از زندگی با بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

توفقیان‌فر و حسینی (۱۳۹۱) تحقیقی را با عنوان «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن» در بین جوانان شهر یاسوج با روش پیمایشی انجام دادند. نتایج نشان داد که بین اعتماد اجتماعی، گرایش‌های مذهبی جمعی، میزان هم‌نوایی اجتماعی و میزان رضایت از زندگی و متغیر وابسته یعنی بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار و منفی وجود دارد و قوی‌ترین رابطه (همبستگی) مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی بوده است.

صالح‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی» این امر را متذکر شده‌اند که مبنای هر نوع توسعه‌ای، توسعه فرهنگی است. آن‌ها عناصر فرهنگی موثر بر توسعه را شامل: رعایت حقوق دیگران، آزادی سیاسی، نظم‌پذیری، اعتقاد به برابری

انسان‌ها، علم‌گرایی، قانون‌گرایی، تحول‌گرایی و نظایر اینها دانسته و از این موارد به‌عنوان مصادیق پیش‌نیازهای فکری توسعه نام برده‌اند.

بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۸۹) تحقیقی را با عنوان «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن» که به روش پیمایشی انجام داده‌اند، نتایج حاکی از آن بود بین رابطه میان اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی، نوع دانشکده و بیگانگی اجتماعی معنادار بوده است.

دی‌پیترو<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «وقت‌شناسی و عملکرد اقتصادی» به این نتایج رسیده بود که وقت‌شناسی موجب سرعت یافتن توسعه اقتصادی می‌شود. کشورهایی که وقت‌شناس نیستند و سرعت کمتری دارند، عدم وقت‌شناسی می‌تواند نرخ رشد اقتصادی آن‌ها را کاهش دهد و یا حتی می‌تواند مانع از توسعه بلند مدت آن‌ها گردد.

چاگلار<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در تحقیقی با موضوع «رابطه بین سطح بیگانگی دانشجویان دانشکده آموزش و نگرش آنها نسبت به حرفه تدریس» که به روش پیمایش صورت گرفته بود، به این نتایج رسیده بود که دانشجویان سطح متوسطی از بیگانگی را تجربه می‌کنند و بین جنسیت و نگرش سبب به تدریس و بیگانگی رابطه معناداری وجود دارد.

تابلینی<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) تحقیقی را با عنوان «فرهنگ و نهادها: توسعه اقتصادی در مناطق اروپا» و با هدف بررسی تاثیر عوامل فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای فردی بر توسعه اقتصادی مناطقی از اروپا به نگارش درآورد. نتایج این تحقیق بیانگر آن بود که برخی از ویژگی‌های فرهنگی مانند اعتماد به دیگران، احترام به دیگران و خود کنترلی و مطیع بودن با توسعه اقتصادی ارتباط معناداری دارند.

هاشر و هاگناوئر<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «بیگانگی از مدرسه» به این نتایج رسیده بودند که میزان بیگانگی در میان پسران بیش از دختران می‌باشد و با افزایش سن نیز میزان بیگانگی افزایش می‌یابد.

گوتربوک<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین علل روانی اجتماعی و بیگانگی» که در میان شهروندان شهر لندن به روش پیمایشی انجام داده بودند، به این نتیجه رسیده بودند که اعتماد اجتماعی، احساس طرد شدگی، جنسیت و سن و وضعیت تاهل رابطه معناداری وجود دارد.

1. Di Pietro

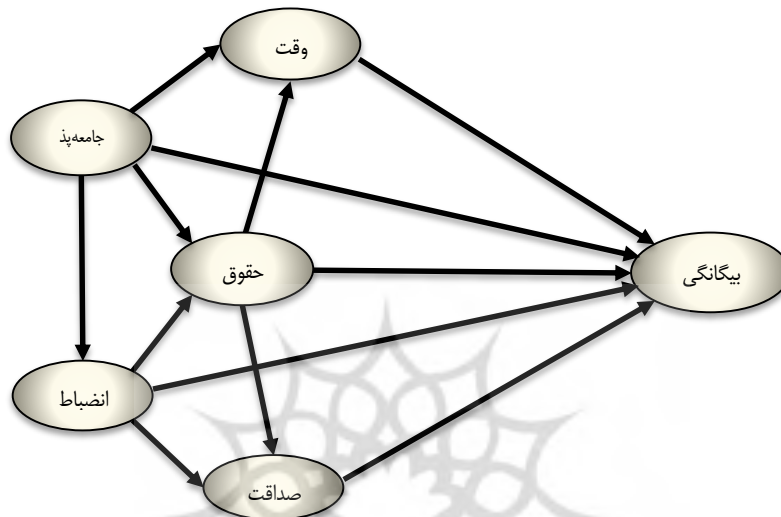
2. ÇAĞLAR

3. Tabellini

4. Hascher & Hagenauer

5. Guterbock

براساس مباحث نظری و نیز مرور پیشینه تجربی، می‌توان ارتباط بین متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر را با استفاده از مدل تحلیلی زیر (شکل ۱) ارائه داد.



شکل شماره ۱: مدل (مسیر) تحلیلی تحقیق

با عنایت به مبانی نظری و تجربی فرضیه‌های زیر قابل صورت‌بندی هستند:

- بین انضباط اجتماعی و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین جامعه‌پذیری و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین وقت‌شناسی و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین رعایت حقوق دیگران و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین صداقت و راستگویی و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- میانگین بیگانگی اجتماعی برحسب نوع دانشگاه متفاوت می‌باشد.
- میانگین بیگانگی اجتماعی برحسب مقطع تحصیلی متفاوت می‌باشد.
- میانگین بیگانگی اجتماعی برحسب جنس متفاوت می‌باشد.

### روش تحقیق

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر کمی و بصورت همبستگی و با تکنیک پیمایشی صورت گرفت. تحقیق حاضر از لحاظ زمانی یک مطالعه مقطعی، به لحاظ هدف از انواع مطالعات کاربردی و از نظر عمق به عنوان تحقیقی پنهانگر به شمار می‌آید. جامعه آماری تحقیق حاضر

کلیه دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم اجتماعی و کشاورزی دانشگاه تبریز می‌باشد که براساس آمار اداره آموزش دانشگاه تبریز تعداد آن‌ها در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به ۳۴۴۴ نفر می‌رسد که ۹۵۷ نفر آنان در دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و ۲۴۸۷ نفر دیگر در دانشکده کشاورزی مشغول به تحصیل هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۳ نفر برآورد شده است که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (براساس سهم هر کدام از دانشکده‌ها) ۷۳ نفر از دانشجویان دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و ۱۹۰ نفر از نیز از دانشجویان دانشکده کشاورزی برای مطالعه انتخاب شده‌اند. همچنین باید اذعان داشت که برای مقایسه دو رشته نظری علوم انسانی و علوم تجربی، دو دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و کشاورزی که زیر مجموعه رشته‌های نظری مذکور می‌باشند و رشته‌های این دو دانشکده با توسعه و مفاهیم آن ارتباط بیشتری دارد، این دو دانشکده برگزیده شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Lisrel تحلیل شده است. در ادامه، به طور اجمالی به تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق پرداخته شده است.

**بیگانگی اجتماعی:** از نظر لغوی بیگانگی به معنای نوعی انفصال و جدایی چیزی از چیز دیگر است (فولادیان، ۱۳۹۴: ۱۳۳). بیگانگی اجتماعی به لحاظ مفهومی، برای تبیین برخی از اشکال کنش‌ها و واکنش‌ها به جریانات اجتماعی و واقعیت‌های پیرامونی، فشارهای روانی و تحمیلات بیرونی و نیز توضیح انفصال فرد از ارزش‌ها، باورها، هنجارها و اهداف فرهنگی تعریف شده است (حریری اکبری و صالح‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۴). به لحاظ عملیاتی، بیگانگی اجتماعی با اقتباس از پرسشنامه افشانی و جواهرچیان (۱۳۹۵) و با استفاده از گویه‌های «بیشتر اوقات دوست دارم تنها باشم، نمی‌توانم مشکلات خود را با دیگران مطرح کنم، معمولاً در رفع مشکلات دیگران مشارکت می‌کنم، از شرایط زندگی خود متنفر هستم، خود را انسان مفیدی می‌دانم، احساس می‌کنم از دیگران عقب‌تر هستم، از خواستگاری سنتی بدم می‌آید، ارزش‌های فرهنگی خودمان را دوست دارم، ارزش‌های جامعه و دانشگاه نوعی فشار و محدودیت بر ما اعمال می‌کنند، احساس می‌کنم تسلط چندانی بر زندگی خود ندارم، خوشبختی و بدبختی هر کس دست خود اوست، در فعالیت‌های سیاسی شرکت نمی‌کنم چون معتقدم تأثیری در بهبود اوضاع سیاسی و اجتماعی ندارد، در امور اجتماعی شرکت نمی‌کنم، از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیزارم، قوانین را فقط به خاطر مجازت شدن رعایت می‌کنم» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند و در ادامه پس از ترکیب نمرات گویه‌ها، شاخص مربوطه در سطح فاصله‌ای ایجاد شده است.

**مولفه‌های تحول در باورها و رفتارها:** براساس کتاب «توسعه اقتصادی ایران» نوشته دکتر بهشتی، انضباط اجتماعی، جامعه‌پذیری، رعایت حقوق دیگران، وقت‌شناسی و صداقت و راستگویی جزو مولفه‌های اصلی تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای هستند (بهشتی، ۱۳۸۹) که در این تحقیق به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه به تعاریف مفهومی و عملیاتی

پرداخته می‌شود. انضباط اجتماعی؛ به لحاظ مفهومی انضباط در لغت به معنای سامان گرفتن، نظم و ترتیب، درستی و عدم هرج و مرج است (دهخدا، ۱۳۷۷). انضباط اجتماعی، احترام به ارزش‌های اخلاقی و رعایت حقوق دیگران، پای‌بندی به قوانین و مقررات و مسئولیت‌پذیری در روابط اجتماعی تعبیر شده است (میرمحمدی، ۱۳۷۷). به لحاظ عملیاتی انضباط اجتماعی با استفاده از ۹ گویه محقق ساخته نظیر «پایبندی به قوانین، عدم دور زدن قوانین در جامعه، نقش قانون و نظم در بین مردم، هماهنگی با مردم و ...» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند. جامعه‌پذیری؛ به لحاظ مفهومی جامعه‌پذیری به انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه در قالب الگوهای رفتاری هنجارمند به افراد اطلاق می‌شود (موحد و شوازی، ۱۳۸۵: ۷۰). به لحاظ عملیاتی جامعه‌پذیری با استفاده از ۱۲ گویه محقق ساخته نظیر «آشنایی با ارزش‌های جامعه و خانواده، آشنایی با هنجارهای مشترک اجتماعی آگاهی و آشنایی، مهم تلقی شدن ارزش‌های جامعه در خانواده‌ها و مدارس، انتقال مهارت‌های لازم در مدارس و دانشگاه‌ها و ...» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند. رعایت حقوق دیگران؛ به لحاظ مفهومی رعایت حقوق دیگران به معنای احترام به دیگران، محترم شمردن حریم خصوصی آن‌ها و برابر انگاشتن آن‌ها با خود است. به لحاظ عملیاتی رعایت حقوق دیگران از طریق ۹ گویه محقق ساخته «رعایت نوبت در هنگام گرفتن غذا در غذاخوری دانشگاه، ساکت بودن هنگام مطالعه دوستانم، رعایت نوبت هنگام دریافت پول‌زا خودپرداز، رعایت حقوق دیگران توسط مردم و ...» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند. وقت‌شناسی؛ به لحاظ مفهومی مراد از وقت‌شناسی داشتن برنامه‌ی زمانی و انجام امور سر موعده مقرر می‌باشد که برای توسعه‌ی اقتصادی، نوآوری، توان رقابتی و کارآیی یک کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۱). به لحاظ عملیاتی وقت‌شناسی با استفاده از ۱۰ گویه محقق ساخته نظیر «وقت‌شناسی اساتید و دانشجویان در کلاس، سر وقت در کلاس حاضر شدن، انجام کارها سر وقت، احترام قائل شدن به وقت دیگران توسط دانشجویان و اساتید، داشتن برنامه مشخص برای آینده خود و ...» همگی در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای سنجیده شده‌اند. صداقت و راستگویی؛ به لحاظ مفهومی به معنای حقیقت‌گویی در گفتار و صادق بودن در کردار و رفتار است و همچنین به معنای عدم دو رویی، ریاکاری و رفتارهای ساختگی‌ای که موجب بی‌اعتمادی نسبت به خود و دیگران می‌شود، است. به لحاظ عملیاتی صداقت و راستگویی با استفاده از ۱۰ گویه محقق ساخته نظیر «رواج یافتن صداقت و راستگویی چقدر در بین مردم، رواج یافتن صداقت و راستگویی در میان دوستان و آشنایان و همکلاسی‌ها، میزان دروغ مصلحتی گفتن، حمایت از دوستان به وجود اینکه دروغ می‌گویند، میزان تنفر از دروغ و ...» همگی در قالب طیف لیکرت سنجیده شده‌اند.

**جنس:** در تحقیق حاضر جنس به صورت دو وضعیت مرد یا زن بودن، در نظر گرفته شده است. **نوع دانشکده:** نوع دانشکده به صورت یک متغیر دو وجهی (دانشجوی دانشکده حقوق و علوم

اجتماعی و دانشکده کشاورزی) در تحلیل‌ها وارد شده است. **مقطع تحصیلی:** مقطع تحصیلی نیز به صورت یک متغیر دو وجهی (کارشناسی و تحصیلات تکمیلی) مورد سنجش قرار گرفته است. **اعتبار و پایایی:** برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری، از اعتبار محتوایی (نوع صوری) و برای ارزیابی پایایی شاخص‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ برآورد شده برای شاخص‌های انضباط اجتماعی (۸ گویه) برابر با ۰/۸۳۷، جامعه‌پذیری (۱۲ گویه) برابر با ۰/۷۵۸، رعایت حقوق دیگران (۸ گویه) برابر با ۰/۶۱، وقت‌شناسی (۱۲ گویه) برابر با ۰/۷۴۱، صداقت و راستگویی (۱۰ گویه) برابر با ۰/۶۲۸ و بیگانگی اجتماعی (۱۵ گویه) برابر با ۰/۶۱۲ می‌باشد که با توجه به آماره‌های آلفای کرونباخ، پایایی شاخص‌های مذکور در سطح قابل قبولی هستند.

### یافته‌ها

نیمرخ جمعیتی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵۵/۵ درصد (۱۴۶ نفر) از پاسخگویان را دانشجویان زن و ۴۴/۵ درصد (۱۱۷ نفر) دیگر را دانشجویان مرد تشکیل می‌دهد. اطلاعات جدول شماره ۱ حاکی از آن است که ۲۷/۸ درصد (۷۳ نفر) از پاسخگویان دانشجوی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و ۷۲/۲ درصد (۱۹۰ نفر) دیگر دانشجوی دانشکده کشاورزی هستند. همچنین ۷۵/۷ درصد از پاسخگویان (۱۹۹ نفر) دانشجوی مقطع کارشناسی و ۲۴/۳ درصد از پاسخگویان (۶۴ نفر) دیگر نیز دانشجوی تحصیلات تکمیلی می‌باشند.

جدول شماره ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب جنس، دانشکده و مقطع تحصیلی

جنس	زنان	مردان	کل
تعداد	۱۴۶	۱۱۷	۲۶۳
درصد	۵۵/۵	۴۴/۵	۱۰۰
دانشکده	حقوق و علوم اجتماعی	دانشکده کشاورزی	کل
تعداد	۷۳	۱۹۰	۲۶۳
درصد	۲۷/۸	۷۲/۲	۱۰۰
مقطع تحصیلی	کارشناسی	تکمیلی	کل
تعداد	۱۹۹	۶۴	۲۶۳
درصد	۷۵/۷	۲۴/۳	۱۰۰

در جدول شماره ۲ نمرات خام و نمرات تبدیل شده (که از طریق میانگین نمرات گویه‌های هر کدام از شاخص‌ها به دست آمده) شاخص‌ها ارائه شده است. لازم به توضیح است که دامنه نمرات تبدیل شده همه شاخص‌ها بین ۱ و ۶ می‌باشد. براساس نتایج جدول مذکور، دامنه

تغییرات شاخص بیگانگی اجتماعی پاسخگویان بین ۱/۸۳ و ۴/۲۵ قرار دارد و میانگین بیگانگی اجتماعی پاسخگویان ۳/۱۲ (معادل ۵۳ در یک مقیاس ۰-۱۰۰) با انحراف استاندارد ۰/۵۹۴ است که نشان می‌دهد نمره بیگانگی اجتماعی پاسخگویان با توجه به دامنه‌ی تغییرات طیف مربوطه، در حد وسط طیف قرار دارد.

جدول شماره ۲: آماره‌های توصیفی مربوط به شاخص‌های فاصله‌ای تحقیق

انحراف استاندارد	بیشینه	میانگین		کمینه	شاخص
		خطای استاندارد	آماره		
۰/۵۹۴	۴/۲۵	۰/۰۳۶	۳/۱۲	۱/۸۳	بیگانگی اجتماعی
۸/۹۱	۶۳/۷۵	۰/۵۴	۴۶/۸	۲۷/۴۵	نمرات خام بیگانگی
۱/۱۳	۵/۳۸	۰/۰۷	۲/۸۸	۱/۲۵	انضباط اجتماعی
۹/۰۴	۴۳/۰۴	۰/۵۶	۳۲/۰۴	۱۰	نمرات خام انضباط
۰/۷۰۸	۵/۵۸	۰/۰۴۳	۴/۱۸	۲/۲۷	جامعه‌پذیری
۸/۵	۶۶/۹	۰/۵۱۶	۵۰/۲	۲۷/۲	نمرات خام جامعه‌پذیری
۰/۶۵۴	۶	۰/۰۴	۴/۳۷	۲/۵۷	رعایت حقوق
۵/۳۲	۴۸	۰/۳۲	۳۴/۹	۲۰/۵۶	نمرات خام حقوق
۰/۴۲	۴/۹۰	۰/۰۲۵	۴/۰۹	۳/۴۰	صداقت
۴/۲	۴۹	۰/۲۵	۴۰/۹	۳۴	نمرات خام صداقت
۰/۶۵۹	۵/۶۷	۰/۰۴۰	۴/۰۲	۱/۲۵	وقت‌شناسی
۷/۹	۶۸/۰۴	۰/۴۸	۴۸/۲۴	۱۵	نمرات خام وقت

براساس اطلاعات توصیفی جدول شماره ۲ دامنه‌ی شاخص انضباط اجتماعی بین ۱/۲۵ و ۵/۳۸ قرار دارد و میانگین این شاخص ۲/۴۸ (معادل ۳۷ در یک مقیاس ۰-۱۰۰) و با انحراف استاندارد ۱/۱۳ است که نشان می‌دهد میانگین شاخص انضباط اجتماعی پایین‌تر از حد وسط می‌باشد. همچنین دامنه تغییرات شاخص جامعه‌پذیری بین ۲/۲۷ و ۵/۵۸ قرار دارد و میانگین این شاخص ۴/۱۸ (معادل ۵۷ در یک مقیاس ۰-۱۰۰) با انحراف استاندارد ۰/۷۰۸ می‌باشد. که بیانگر آن است نمره شاخص جامعه‌پذیری بالاتر از حد وسط طیف قرار دارد. دامنه تغییرات شاخص رعایت حقوق دیگران بین ۲/۵۷ و ۶ قرار دارد و میانگین این متغیر ۴/۳۷ (معادل ۵۲ در یک مقیاس ۰-۱۰۰) با انحراف استاندارد ۰/۶۵۴ است که نمایانگر این است نمره رعایت حقوق دیگران پاسخگویان، در حد وسط طیف قرار دارد. دامنه‌ی طیف شاخص صداقت و راستگویی نیز

بین ۳/۴۰ و ۴/۹۰ قرار دارد و میانگین این شاخص ۴/۰۹ (معادل ۴۶ در یک مقیاس ۱۰۰-۰) و با انحراف استاندارد ۰/۴۲ است که نشان می‌دهد میانگین نمره شاخص صداقت و راستگویی اندکی پایین‌تر از حد وسط طیف می‌باشد. همچنین دامنه تغییرات شاخص وقت‌شناسی بین ۱/۲۵ و ۵/۶۷ قرار دارد و میانگین این شاخص ۴/۰۲ (معادل ۶۲ در یک مقیاس ۱۰۰-۰) با انحراف استاندارد ۰/۶۵۹ می‌باشد. که بیانگر آن است نمره شاخص وقت‌شناسی بالاتر از حد وسط می‌باشد.

در جدول ۳ نتایج آزمون تفاوت میانگین بیگانگی اجتماعی بر حسب جنس، دانشکده و مقطع تحصیلی را ارائه شده است. مقایسه میانگین‌های مذکور با استفاده از t-test و براساس فرض برابری واریانس‌های دو گروه، نشان می‌دهد که میانگین بیگانگی اجتماعی دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان زن، دانشجویان دانشکده کشاورزی نسبت به دانشجویان دانشکده حقوق و علوم اجتماعی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به دانشجویان تحصیلات کارشناسی بیشتر می‌باشد. توجه در آماره سطح معناداری گروه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های ذکر شده، با توجه به اینکه سطح معناداری آن‌ها پایین‌تر از ۰/۰۵ است، به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون مقایسه میانگین بیگانگی اجتماعی بر حسب جنس، دانشکده و مقطع تحصیلی

بیگانگی اجتماعی	تعداد	میانگین خام	انحراف معیار	t	درجه آزادی	Sig
جنس	مرد	۳/۲۸	۴۹/۲	۰/۵۳	۲۶۱	۰/۰۳۵
	زن	۳/۰۲	۴۵/۳	۰/۶۳		
دانشکده	حقوق اجتماعی	۲/۸۶	۴۲/۹	۰/۶۱	۲۶۱	۰/۰۰۰
	کشاورزی	۳/۲۲	۴۸/۳	۰/۵۵		
مقطع تحصیل	کارشناسی	۳/۱۱	۴۶/۶	۰/۵۲	۲۶۱	۰/۰۱۳
	تکمیلی	۳/۳۱	۴۹/۶	۰/۷۶		

جدول ۴ نتایج مربوط به ضرایب همبستگی پیرسون شاخص‌های تحول در باورها و رفتارها با بیگانگی اجتماعی را نشان می‌دهد. طبق نتایج این جدول، رابطه بیگانگی اجتماعی با متغیرهای انضباط اجتماعی (با ضریب ۰/۵۲۷-)، جامعه‌پذیری (با ضریب ۰/۴۰۸)، رعایت حقوق دیگران (با ضریب ۰/۲۴۸-)، صداقت و راستگویی (با ضریب ۰/۱۵۹-)، وقت‌شناسی (با ضریب ۰/۴۱۱-) با توجه به اینکه سطح معناداری آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ است، معنادار می‌باشد. همبستگی بین متغیرهای مذکور معکوس می‌باشد، به این معنی که با بالا رفتن مولفه‌های تحول در باورها

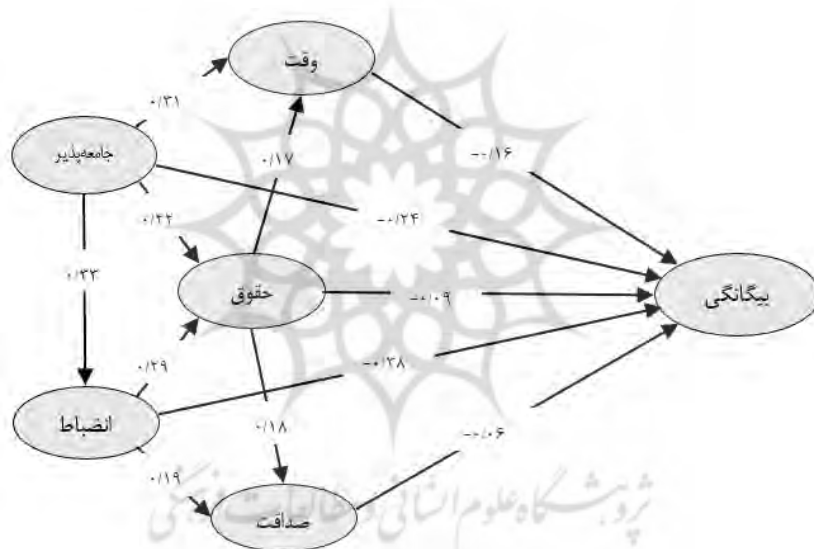


و رفتارها (انضباط اجتماعی، جامعه‌پذیری، رعایت حقوق دیگران، صداقت و راستگویی و وقت‌شناسی)، بیگانگی اجتماعی پایین می‌آید.

**جدول شماره ۴: آزمون همبستگی شاخص‌های تحول در باورها و رفتارها با بیگانگی**

انضباط	جامعه‌پذیری	صداقت	رعایت حقوق	وقت‌شناسی
-۰/۵۲۷	-۰/۴۰۸	-۰/۱۵۹	-۰/۲۴۸	-۰/۴۱۱
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

برای ارزیابی دقیق‌تر تأثیر شاخص‌های تحول در باورهای توسعه، در ادامه نتایج مدل مسیر برازش داده شده ارائه شده است. شکل شماره ۱ مدل مسیر و ضرایب استاندارد را نشان می‌دهند.



شکل شماره ۱: مدل مسیر (برآوردهای استاندارد)

بر اساس نتایج جدول ۵، شاخص جامعه‌پذیری بر بیگانگی اجتماعی (با تأثیر مستقیم  $-۰/۲۴$  و غیر مستقیم  $-۰/۲۲$  و با تأثیر کل  $-۰/۴۶$ ) تأثیر معکوس و معناداری دارد، بدین معنی که با یک واحد افزایش در شاخص جامعه‌پذیری، میزان بیگانگی اجتماعی با ضریب  $۰/۴۶$  کاهش می‌یابد. همچنین تأثیر شاخص انضباط اجتماعی بر بیگانگی اجتماعی نیز (با تأثیر مستقیم  $-۰/۳۸$  و غیر مستقیم  $-۰/۰۵$  و با تأثیر کل  $-۰/۴۳$ ) معکوس و معنادار است. تأثیر شاخص رعایت حقوق دیگران بر بیگانگی اجتماعی نیز (با تأثیر مستقیم  $-۰/۰۹$  و غیر مستقیم  $-۰/۰۴$  و با تأثیر کل  $-۰/۱۳$ ) معکوس و معنادار است. همچنین شاخص‌های وقت‌شناسی (با تأثیر  $-۰/۱۶$ ) و صداقت

و راستگویی (با تأثیر  $-0/06$ ) فقط تأثیر مستقیم بر بیگانگی اجتماعی دارند که این تأثیرات به شکل معکوس و از نظر آماری معنادار می‌باشند.

جدول شماره ۵: تأثیرات استاندارد شاخص‌های تحول در باورها بر بیگانگی اجتماعی

ضریب	نوع تأثیر			متغیرها
	تأثیرات کل	تأثیرات غیرمستقیم	تأثیرات مستقیم	
۰/۳۶	-۰/۴۶**	-۰/۲۲**	-۰/۲۴**	جامعه‌پذیری
	-۰/۴۳**	-۰/۰۵*	-۰/۳۸**	انضباط اجتماعی
	-۰/۰۶*	-	-۰/۰۶*	صداقت
	-۰/۱۶**	-	-۰/۱۶**	وقت‌شناسی
	-۰/۱۳*	-۰/۰۴*	-۰/۰۹*	رعایت حقوق

IFI=0.92 NFI=0.89 GFI=0.94 AGFI=0.91 CFI=0.90 Chi-square=23.75 RMSEA=0.071

\* معناداری ضریب در سطح کم‌تر از  $0/05$  \*\* معناداری ضریب در سطح کم‌تر از  $0/01$

نتایج جدول ۵ حاکی از آن است که شاخص‌های تحول در باورها و رفتارها توسعه در مجموع توانسته‌اند ۳۶ درصد از تغییرات شاخص بیگانگی اجتماعی را تبیین کنند. که در این میان، شاخص‌های جامعه‌پذیری و انضباط اجتماعی بیشترین تأثیر را بر بیگانگی اجتماعی دارند. بعد از شاخص‌های مذکور به ترتیب شاخص‌های وقت‌شناسی، رعایت حقوق دیگران و صداقت و راستگویی در رده‌های بعدی قرار دارند. همچنین با توجه به آماره‌های برازش مدل (اطلاعات سطر آخر جدول ۵)، مدل مسیر برازش شده نشانگر آن است که ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با  $0/071$  و در حد نرمال (پایین‌تر از  $0/08$ ) می‌باشد. همچنین شاخص نیکویی برازش (GFI) شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)، آماره شاخص برازش افزایشی (IFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص نرم شده برازندگی (NFI) جملگی بالاتر از  $0/9$  و در حد مناسبی می‌باشند و شاخص کمیت خی دو (Chi-square) نیز برابر با  $23/75$  بوده که حاکی از آن است مدل بیگانگی اجتماعی تا حدودی مناسب است و مدل مورد نظر از برازش خوبی برخوردار می‌باشد.

## بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر تأثیر مولفه‌های باورها و رفتارهای توسعه‌ای (شامل جامعه‌پذیری، انضباط اجتماعی، وقت‌شناسی، رعایت حقوق دیگران و صداقت و راستگویی) بر بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز مورد سنجش قرار گرفت. براساس نتایج تحقیق، میانگین

شاخص‌های «انضباط اجتماعی» و «صداقت و راستگویی» پایین‌تر از حد متوسط، میانگین شاخص‌های «جامعه‌پذیری» و «وقت‌شناسی» بالاتر از حد متوسط و میانگین شاخص‌های «رعایت حقوق دیگران»، «بیگانگی اجتماعی» در حد متوسط بودند. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق صالح‌نیا و همکاران (۱۳۸۹)، دی‌پیترو (۲۰۱۴) و تابلینی (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. یکی از نتایج مهم این تحقیق آن بود که مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای با بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار و معکوسی دارند و دانشجویانی که نسبت به این مولفه‌ها اعتقاد راسخی ندارند و تمایل و رغبت چندانی برای عمل به آن‌ها ندارند، میزان بیگانگی در میان آنان بیشتر مشهود است. توفقیان و حسینی (۱۳۹۱)، حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، تانلی (۲۰۱۰) و گوتبرگ و همکاران (۲۰۰۶) نیز در تحقیقات خود، به این نتیجه رسیده بودند افرادی که اعتماد اجتماعی و میزان همنوایی اجتماعی در آنان کمتر است، بیگانگی اجتماعی نیز در بین آنان بیشتر نماینگر است.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که میزان بیگانگی اجتماعی در میان دانشجویان دانشکده کشاورزی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشجویان کارشناسی و دانشجویان زن بیشتر است. نتایج تحقیق بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۸۹)، جاگلار (۲۰۱۳)، هاشر و هاگناوئر (۲۰۱۰) و گوتبرگ و همکاران (۲۰۰۶) نیز تایید کننده این یافته تحقیق بود. بر همین اساس می‌توان چنین استدلال کرد که دانشجویان مرد و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مقایسه با دانشجویان زن و دانشجویان کارشناسی بیشتر جویای شغل و کار می‌باشند و با توجه به اوضاع نه‌چندان خوب جامعه در حوزه اشتغال و عدم دستیابی به شغل مناسب برای گذران زندگی از جامعه محل زندگی خود بیگانگه می‌شوند. به بیانی دیگر، ابهام در وضعیت آینده‌ی شغلی، هدفمند نبودن زندگی دانشگاهی از عوامل تشدید کننده‌ی است که جریان بیگانگی، علی‌الخصوص گسترش ایده‌ی بی‌معنایی و پوچی را در بین دانشجویان دوچندان کرده و بسترهای بی‌تفاوتی و بیگانگی را پهن کرده است. شکل بدیهی بی‌معنایی و به تبع آن بیگانگی از جامعه زمانی رو به تزاید می‌گذارد که افراد این احساس را در خود ایجاد کنند که تمام زمان و عمری که صرف تحصیل کرده‌اند، هیچ فایده‌ای برای آن‌ها نداشته و ندارد. تیره بودن شرایط جامعه، افزایش بیکاری، افت زمینه‌های کاری اشتغال طی چند سال اخیر، افراد تحصیل کرده را دچار بیگانگی کرده است.

همچنین براساس چارچوب نظری و در تبیین مدل تحلیلی تحقیق باید اظهار داشت که وبر معتقد بود عقاید و ارزش‌های یک جامعه منجر به توسعه یا توسعه‌نیافتگی می‌شود، وی خاطر نشان می‌کند؛ که این اخلاق پروتستانی بود که زمینه را برای مدیریت علمی و بسترسازی توسعه فراهم ساخت و اصول فکری پروتستان‌ها نقش اصلی را در ایجاد نظام سرمایه‌داری ایفا کرد و موجب شد تا توسعه جوامع غربی رشد توسعه یابند. دورکیم، پارسونز، آگ برن و کامرون نیز

تاکیدشان بر این بود که مولفه‌های نظیر جامعه‌پذیری، وقت‌شناسی، نظم‌پذیری و رعایت حقوق دیگران به عنوان پیش‌نیازهای توسعه مطرح می‌باشند و این مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای رابطه تنگاتنگی با هم دارند و در جوامعی که این مولفه‌ها کمتر رعایت می‌شود، مسیر رشد و پیشرفت آنان کند شده و در نهایت مانع از توسعه و حتی توسعه بلند مدت آنان می‌گردد و جوامعی که درصد رشد و توسعه هستند باید به مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای بیشتر ارج نهند. همچنین باید گفت که اگر در جامعه‌ای افراد بر انضباط اجتماعی، جامعه‌پذیری، صداقت و راستگویی و نظایر این‌ها بیشتر توجه کنند، از بیگانگی آنان کاسته می‌شود. این امر از آن روی صورت می‌گیرد که این مولفه‌ها از کارکردهای خاصی برخوردار بوده است و مانعی بر سر راه بحران بی‌معنایی و بی‌هنجاری بشر تلقی می‌شود.

مطابق با یافته‌های تحقیق می‌توان پیشنهاد کرد؛ بهبود زمینه‌های مشارکت و همبستگی اجتماعی دانشجویان، کم کردن فاصله‌ی طبقاتی اشتغال‌زایی و به کارگیری نیروهای جوان و تحصیل کرده در جهت تصمیم‌گیری‌های مهم و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، ترویج فرهنگ نظم‌پذیری و انضباط اجتماعی و رعایت حقوق دیگران خصوصاً در مراکز آموزشی، قائل شدن حقوق شهروندی یکسان برای تمام افراد جامعه و شایسته‌سالاری، بهبود امکانات فرهنگی دانشگاه، همچنین ایجاد فرصت‌هایی جهت ارائه نظر دانشجو در کلاس درس و مشارکت دادن دانشجویان در امور دانشگاه می‌تواند در کاهش میزان بیگانگی اجتماعی تاثیرگذار باشد و تبعات منفی آن را کم کند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که براساس جستجوی نویسندگان این تحقیق، پرسشنامه استاندارد در رابطه با مولفه‌های تحول در باورها و رفتارهای توسعه‌ای یافت نشد فلذا در این مورد از پرسشنامه محقق ساخته که از مطالعات و مرور متون مربوطه صورت گرفت، بهره گرفت شد که این امر موجب هدر رفت زمان در تدوین تحقیق شد. از دیگر محدودیت‌های این تحقیق، تکمیل پرسشنامه به روش خود گزارش‌دهی بود که ممکن بود از صحت لازم برخوردار نباشد. فلذا برای غلبه بر این مشکل حدود ۲۰ درصد پرسشنامه اضافه نسبت به نتیجه فرمول کوکران در میان دانشجویان پخش شد و پرسشنامه‌هایی که صحت لازم را نداشتند، از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند.

## منابع

- افشانی، ع.ر.، جواهرچیان، ن.، (۱۳۹۵)، بررسی نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم در بین دانش‌آموزان دوره اول و دوم متوسطه شهر یزد، **مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی**، تابستان، سال پنجم، شماره دوم (پیاپی ۱۳)، ص ۲۴-۱.
- امامی، ر.، (۱۳۹۶)، «عوامل موثر بر از خود بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران (بابلسر))»، **کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی**، شیراز.
- بنی‌فاطمه، ح.، رسولی، ز.، (۱۳۹۰)، بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن، **جامعه‌شناسی کاربردی**، بهار، سال بیست و دوم، شماره ۱، ص ۲۶-۱.
- بهشتی، م.ب. (۱۳۸۹)، **توسعه اقتصادی ایران**، تبریز، نشر دانشگاه تبریز.
- بهشتی، م.ب.، محمودی، ک.، حسین‌پور، ف.، (۱۳۹۶)، تحلیل محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مولفه‌های تغییر در باورها، رفتار و نگرش‌های نقطه شروع توسعه، **فصلنامه توسعه اجتماعی**، تابستان، دوره ۱۱، شماره ۴، ص ۲۳۶-۲۰۷.
- ترابی، ی.، (۱۳۸۴)، آسیب‌شناسی مدیریت توسعه در ایران، **دوفصلنامه دانش سیاسی**، پاییز و زمستان، شماره ۲، ص ۱۳۳-۱۰۳.
- تفضلی، ف.، (۱۳۸۵)، نظام سرمایه‌داری از دیدگاه کارل مارکس و ماکس وبر، «**پیک نور**»، سال چهارم، شماره ۲، ص ۹۲-۷۹.
- توفیق‌فر، ع.ح.، حسینی، ا.، (۱۳۹۱)، بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)، **جامعه‌شناسی مطالعات جوانان**، زمستان، سال سوم، شماره ۸، ص ۴۵-۵۸.
- حریری اکبری، م.، صالح‌نژاد، ح.، (۱۳۹۴)، سرمایه فرهنگی سدی در برابر بیگانگی اجتماعی، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**، بهار، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۵۶-۳۳.
- حسین‌زاده، ع.ح.، باقری، م.، رزم‌آرا، ا.، (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان، **فصلنامه توسعه اجتماعی**، زمستان، شماره ۲، ص ۵۴-۳۷.
- ذولفقاری زعفرانی، ر.، علی‌نیا، ع.، (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن، **فصلنامه پژوهش اجتماعی**، پاییز، سال سوم، شماره ۸، ص ۱۶۴-۱۴۷.
- زکی، م.ع.، خشوعی، م.، (۱۳۹۲)، سلامت اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، پاییز، سال سوم، شماره ۸، ص ۱۰۸-۷۹.
- شاه‌قاسمی، ز.، فرقانی، م.، خانیکی، ه.، (۱۳۹۵)، مطالعه رویکرد برنامه‌های توسعه در ایران به ارتباطات، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، پاییز، دوره نهم، شماره ۳، ص ۱۸۲-۱۴۷.

صادقی ده چشمه، س.، تیموری نژاد، م.، آزادیان، ا.، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه میان رفتار شهروندی با نظم اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان ۳۰-۲۰ ساله شهر کرد)، *مجله پژوهش‌نامه نظم و امنیت*، تابستان، سال نهم، شماره ۲، ص ۴۵-۷۲.

صالح‌نیا، ن.، دهنوی، ج.، حق‌نژاد، ا.، (۱۳۸۹)، نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، مرداد و شهریور، سال چهارم، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۶۶-۷۹.

عطاری، س. (۱۳۹۵)، بررسی جایگاه مفهوم سرمایه اجتماعی در پارادایم‌های سه‌گانه توسعه (نوسازی، وابستگی، نظام جهانی)، *دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری*، بهار و تابستان، شماره ۱۹، ص ۱۹۹-۲۲۱.

علی‌اکبر، د. (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

فولادیان، ا.، (۱۳۹۴)، بررسی میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، بهار، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۱۴۴-۱۲۵.

کریمیان‌پور، غ.، (۱۳۹۵)، مدیریت زمان و وقت‌شناسی مهارتی اساسی برای کودکان، *مجله رشد آموزش پیش دبستانی*، پاییز، دوره هشتم، شماره ۱، ص ۴۹-۵۱.

محسنی تبریزی، ع.، (۱۳۷۰)، مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، *مطالعات جامعه‌شناختی*، تابستان، شماره ۵، ص ۲۵-۷۴.

موحد، م.، عباسی شوازی، م.، (۱۳۸۵)، بررسی رابطه‌ی جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج، *مجله مطالعات زنان*، بهار، سال ۴، شماره ۱، ص ۶۷-۹۹.

میرمحمدی، س.م. (۱۳۷۷)، *موانع سازمانی و ساختاری حاکمیت وجدان کاری و انضباط اجتماعی*؛ تهران، سازمان چاپ و انتشارات آزاد اسلامی.

یوسفی، ع.، رضوی‌زاده، ن.، (۱۳۹۵)، ساختار هنجار صداقت با دولت مشهد مورد مطالعه: راستگویی در ارائه اطلاعات درآمدی، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، بهار، سال ۲۷، شماره ۱، ص ۱۲۹-۱۴۲.

Bao, Y., Zhou, K. Z., & Zhou, N. (2006). Social alienation in a transitional economy: Antecedents and impact on attitude toward social reform. *Journal of Business Research*, 59(9), 990-998.

Bender, A. (2020). The role of culture and evolution for human cognition. *Topics in cognitive science*, 12(4), 1403-1420.

Burkitt, I. (2019). Alienation and emotion: social relations and estrangement in contemporary capitalism. *Emotions and Society*, 1(1), 51-66.

Caglar, C. (2013). The Relationship between the Levels of Alienation of the Education Faculty Students and Their Attitudes towards the Teaching Profession. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13(3), 1507-1513.

DiPietro, W.R. (2014). "Time Punctuality and Social Cohesiveness", *International Journal of Business, Humanities and Technology*. Vol. 4 No. 1: 33-37.

- Fox, S. (2020). Political alienation and referendums: How political alienation was related to support for Brexit. *British Politics*, 1-20.
- Hardin, R. (1993). The street-level epistemology of trust. *Politics & society*, 21(4), 505-529.
- Hascher, T., & Hagenauer, G. (2010). Alienation from school. *International journal of educational research*, 49(6), 220-232.
- Husien, S., Fakhrina, A., & Rani, A. N. B. H. A. (2020). Culture-Led Development: Implementation of Heritage Based Management in Indonesia and Brunei Darussalam. *Al-Ulum*, 20(1), 1-23.
- Inyikalum Daniel, B., & Uranta, S. D. D. (2017). *karl marx's concept of alienation; a study of its impact on nigeria's socio-economic development*.
- Nonis, S. A., & Hudson, G. I. (2006). Academic performance of college students: Influence of time spent studying and working. *Journal of Education for Business*, 81(3), 151-159.
- Schwalbe, M. (1986). *Psychosocial Consequences of Natural and Alienated Labor*. SUNY Press.
- Tabellini, G. (2010). Culture and institutions: economic development in the regions of Europe. *Journal of the European Economic association*, 8(4), 677-716.
- Williamson, C. R., & Mathers, R. L. (2011). Economic freedom, culture, and growth. *Public Choice*, 148(3-4), 313-335.

